

تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

سینا ترکاشوند**
پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

فرامرز محمدی پویا*
دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰

چکیده

تمدن‌سازی، فرایندی پیچیده، زمان‌مند و متأثر از عوامل گوناگون است که برای محقق‌شدن آن، پشتوانه‌های مادی و معنوی بسیاری لازم است. در این میان، آنچه اهمیت می‌یابد، چگونگی تحقق تمدن است. از همین رو، هدف پژوهش حاضر، تبیین تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد. روش پژوهش، تحلیلی و استنتاجی است. یافته‌ها نشان داد که از جمله مؤلفه‌های احصاشده تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) عبارتند از: معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تربیت مبتنی بر اسناد تحولی کشور، با اثرگذاری بر مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، زمینه را برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی؛ اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ نظام تربیتی

* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا

muhammadipouya@basu.ac.ir
sina.torkashvand663@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

مقدمه

تمدن‌سازی، فرایندی پیچیده، زمان‌مند و متأثر از عوامل گوناگونی است که برای تحقق خود، پشتوانه‌های مادی و معنوی بسیاری را می‌طلبد (شکرانی و تمدن، ۱۳۹۵: ۱). در این میان، آنچه بیش از همه اهمیت می‌یابد، چگونگی تحقق تمدن است؛ چراکه تمدن، قلمرو وسیعی دارد و شامل جهان‌بینی، ایدئولوژی، فرهنگ‌سازی، تنظیم نقشه راه و... است که بدون نهادینه کردن و روشنگری آنها نمی‌توان از تمدن‌سازی نوین بحث نمود. امام خمینی (ره) معتقد است: «در نگاه تمدنی است که شرایط برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر آن هم در گستره‌ای وسیع ممکن می‌شود. همچنین تمدن‌شناسی هم در جهت تمدن‌سازی است و هم در جهت خروج از سلطه تمدن دیگر» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱).

از سوی دیگر، در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، کشور در مرحله‌ای قرار گرفته است که نیاز به تحقق بخشی به تمدن نوین اسلامی احساس می‌شود؛ چراکه مراحل دستیابی به تمدن که شامل: ۱. ایجاد انقلاب اسلامی؛ ۲. ایجاد نظام اسلامی؛ ۳. ایجاد دولت اسلامی و ۴. کشور اسلامی می‌شود، طی شده است و اکنون باید به فکر تمدن‌سازی نوین اسلامی بود. رهبر انقلاب در همین راستا می‌فرماید: «امروز نوبت ماست، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ (آل‌عمران: ۱۴۰)؛ امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ماست. (بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸). رهبر انقلاب همچنین دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی را: ۱. تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و ۲. پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم می‌داند (بیانات در دیدار با کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

بر همین اساس، می‌توان تمدن را همچون موجود زنده‌ای در نظر گرفت که روح و روانش همان فکر، اندیشه و فرهنگ حاکم بر آن تمدن است و ابزارها و دستاوردهای مادی تمدن در حکم کالبدی‌اند که متأثر از همان روح و روان تمدن‌اند. لذا اگر بتوان عمق وابستگی و تأثیرپذیری تمدن

از جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر جامعه را به‌تصویر کشید، به‌خوبی می‌توان بر نقش بنیادین تعلیم و تربیت در ایجاد یک تمدن آگاه شد؛ زیرا این تعلیم و تربیت است که در بینش و نگرش انسان و نوع نگاه او به عالم هستی اثر گذاشته و در نهایت فرهنگ و ارزش‌های خاصی را برای وی تعریف می‌نماید. در همین راستا، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تأکید می‌کنند که راه تحقق تمدن، تعلیم و تربیت است: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور؛ - البتّه خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند - چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجّه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِضْ لَهِ جُمُومَتَكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیت حرکت کند...» (بیانات در دیدار با تخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

از سوی دیگر، مفهوم تربیت زمینه‌ساز که تعبیری خاص و جدید از تعلیم و تربیت است و به‌کارگیری آن برای مقاصد ویژه است، بین صاحب‌نظران تربیتی رواج پیدا کرده است. برای مشخص شدن این مفهوم، ابتدا باید به تعریف تربیت پرداخته شود. از آن‌جاکه برای تربیت تعریف‌های گوناگونی در متون تربیتی ارائه شده است، به‌صراحت می‌توان گفت در متداول‌ترین و آشناترین آنها، تربیت زمینه‌سازی برای رشد استعدادهای آدمی تعریف شده است. هانری ژولی تربیت را مجموعه تلاش‌هایی تعبیر می‌کند که هدف آنها برخوردار ساختن فرد از همه قوایش و آماده کردن او برای استفاده صحیح از آنهاست (شکوهی، ۱۳۶۹: ۲۳). مسلم است که زمینه‌سازی برای رشد و تعالی استعدادهای آدمی به برنامه‌ریزی و تعیین مقاصد از طرف مربیان، معلمان، کارگزاران امر تعلیم و تربیت و پیشوایان دینی و معنوی جامعه بستگی دارد. لذا تربیت زمینه‌ساز با محوریت تمدن، خود نوعی تربیت است که باید اهداف و برنامه‌های آن توسط کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی و معنوی جامعه مشخص شود و مراحل اجرایی آن قدم‌به‌قدم پیش رود تا برای تربیت‌شوندگان سودمند باشد (باقری، ۱۳۸۴: ۳۵۵). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در همین راستا می‌فرمایند: «همه دستگاه‌ها در دولت، وظیفه پشتیبانی آموزشی و پرورش را دارند؛ چه دستگاه‌هایی

که به برنامه و بودجه می‌پردازند و چه دستگاه‌هایی که آنها را در مجلس شورای اسلامی تأیید می‌کنند و تصویب می‌کنند، باید نگاه همه آنها به آموزش و پرورش یک چنین نگاهی باشد. تصور نکنند که اینجا جایی است که فقط هزینه‌بر است - گاهی نگاه این‌جوری است، می‌گویند دستگاه هزینه‌بر - نه، اینجا دستگاهی است که هرچه شما هزینه کنید، به‌طور مضاعف دستاورد خواهید داشت؛ اینجا جایی است که ثروت‌سازان آینده، علم‌سازان آینده، تمدن‌سازان آینده، مدیران آینده، از اینجا به‌وجود خواهند آمد و خلق خواهند شد» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

برهمن اساس، مطالعات تمدنی به چند دلیل ضرورت می‌یابد: نخست، اگر ساحت تمدنی را ساحت بلوغ فرهنگی بدانیم، دغدغه تمدن‌پژوهی در حقیقت بحث از تکامل فرهنگی در وجه جمعی و ساختاری آن خواهد بود؛ از این‌رو، همان دلایلی که عقلانیت کمال‌جویی فرهنگی را توجیه می‌کند، پشتوانه عقلانیت مطالبات تمدنی نیز خواهد بود. دوم، مواجهه عالم اسلامی با غرب - که در عصر ما، به‌مثابه گفتمان رقیب عالم اسلام در وجه تمدنی خود ظهور یافته - اگر صرفاً با تکیه بر وجوه فرهنگی پیش‌تمدنی‌اش صورت گیرد، به دلیل اینکه قدرت تمدنی برتر از قدرت غیرتمدنی است، نتیجه‌ای جز انفعال در برابر آن به‌دست نمی‌آید. سوم، مطالعات تمدنی در مقایسه با مطالعات غیرتمدنی از ظرفیتی حداکثری برای استحصال میراث برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد هرگونه مطالعه‌ای درباره دین و تاریخ یک قوم تا زمانی که رویکردی تمدنی به خود نگیرد، نمی‌تواند همه وجوه فرهنگی تاریخی آن قوم را رصد کند.

لذا مسئله این پژوهش آن است که از طریق تعلیم و تربیت چگونه می‌توان راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموار نمود. تعلیم و تربیت زمانی می‌تواند زمینه‌ساز تمدن شود که بتواند مؤلفه‌های تمدن‌بخش را مورد بازنگری قرار دهد. بدین‌صورت که هر مؤلفه‌ای با نگرش تربیتی و زمینه‌سازی برای تمدن مورد واکاوی قرار بگیرد. لذا این پژوهش درصدد پاسخگویی به دو سؤال برآمده است:

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی براساس دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدامند؟

نقش نظام تعلیم و تربیت در تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟

پیشینه پژوهش

پیرامون تمدن و تمدن‌سازی نوین اسلامی پژوهش‌های گوناگون‌گونی صورت پذیرفته است، اما با نگاه تربیتی و زمینه‌سازی برای تمدن، پژوهشی صورت نگرفته است. به‌عنوان نمونه: خواجه سروی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی (باتأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی)»، به بررسی مؤلفه‌های مذکور پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تمدن نباید صرفاً متکی بر عقل باشد، بلکه باید جنبه معنوی انسان را نیز در نظر بگیرد. لذا سطوح و مبانی عقلانیت باید در مجرای اسلامی و الهی آن تحقق پیدا کند. علم نیز یک نوع شناخت است که باید برخاسته از آموزه‌های اسلامی باشد. سعیدی روشن (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم»، به تبیین شاخص‌های تمدن نوین اسلامی پرداخته است. از جمله شاخص‌ها می‌توان به فرزاندگی مردم در بُعد معرفت و حکمت، برخورداری از درکی عمیق و ایمان به خداوند، بسط فضیلت‌های والای انسانی و ارزش‌های اخلاقی و... است.

اکبری و رضایی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» به بررسی شاخصه‌های تمدن اسلامی پرداخته‌اند. شاخصه‌ها به دو دسته عام و شاخصه‌های نوین تمدن اسلامی تقسیم شده‌اند. شاخص‌های عام در اندیشه مقام معظم رهبری عبارت از محوریت قوانین قرآن، ایمان، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، عدالت و... است. از جمله شاخصه‌های نوین تمدن اسلامی می‌توان به تلاش، کار و خلاقیت، رسانه‌های مدرن، هنر و سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای نوین بشر است.

فرمهبینی فراهانی و خاری آرانی (۱۳۹۴) در پژوهشی دیگر با عنوان «تربیت دینی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی»، به بررسی ابعاد تربیت دینی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. طبق این پژوهش، تربیت دینی عواملی را می‌آفریند که می‌تواند در نقش روح فرهنگی، تحول‌آفرینی، بالندگی و رشد تمدن را در پی داشته باشد. تمدن اسلامی در دوره‌های مختلف، همواره تحت تأثیر دین، مخصوصاً تربیت آن بوده و آثار تربیتی دین بر فرهنگ و تمدن هویدا بوده است.

روش پژوهش

روش پژوهش، تحلیلی و استنتاجی است. برای پاسخ به سؤال اول پژوهش که استنتاج مؤلفه‌های تمدن‌ساز است از روش تحلیل مفهومی و استنتاجی استفاده شده است. برای پاسخ به سؤال دوم به توصیف و تحلیل نقش نظام تعلیم و تربیت در تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است. تحلیل از دیدگاه جرج ادوارد مور^۱، به معنای برگرداندن یک اندیشه یا مفهوم یا گزاره ناروشن است به اندیشه یا مفهوم یا گزاره‌ای روشن؛ بدانسان که معنا بی‌آنکه دگرگون شود، روشن‌تر شود. یعنی مفهوم‌ها، واژه‌ها و گزاره‌های جانشین شده، دقیق‌تر، رساتر و روشن‌تر شوند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶). به عبارت دیگر، تحلیل مفهومی، تحلیلی است که پژوهشگر به واسطه آن به فهم معتبری از معنای عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابد. این نوع تحلیل به فراهم آوردن تبیین روشن از معنای یک مفهوم ناظر است که به واسطه توضیح دقیق ارتباط‌های آن مفهوم با سایر مفاهیم مشخص می‌شود. هرچند فنون تحلیل مفهوم مختلفند، اما همه گویای این نکته هستند که استفاده‌کننده گان توانمند زبان در شرایط مختلف، چه خواهند گفت یا چه نخواهند گفت. بر همین اساس، فرایند تحلیل در این پژوهش بدین صورت است که ابتدا با تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و صاحب‌نظران پیرامون تمدن و تمدن اسلامی، به استنتاج مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی پرداخته شد، سپس به تبیین و تحلیل نقش نظام تعلیم و تربیت در زمینه‌سازی و تحقق هر مؤلفه تمدن‌ساز پرداخته می‌شود.

تمدن اسلامی

«تمدن» از نظر لغوی، عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به‌طور خلاصه، روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (جر^۲، ۱۳۹۱: ۶۵۳). در نگاه وسیع‌تر، واژه «تمدن»، از ریشه «مدینه»، «مدن» و «مدنیت»، به معنای خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در راستای نهادینه‌شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است (معین، ۱۳۷۵: ۱۱۵۰). هانتینگتون، تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آورد (هانتینگتون^۳، ۱۳۷۴: ۴۷). از نظر آرنولد توین

1. George Edward Moore
2. Jear
3. Hantington

بی^۱، تمدن، حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۰). علامه جعفری نیز تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکیل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است» (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵: ۱۶۱).

ازسوی دیگر، تمدن اسلامی که با ظهور دین اسلام آغاز شد، دیری نیاید که جنبه جهانی پیدا کرد و بر تمامی جوانب زندگی انسان اثر گذاشت. به گفته مستودراد: «تمدن برخاسته از اسلام چیزی نیست که انکارپذیر باشد، اگر اسلام تمدن حقیقی و عالی به رنگ و بویی مخصوص، مبنی بر کتاب و سنت اسلام نداشت، هرگز علمای تمدن غرب حتی آنها که به حمله و هجوم بر اسلام معروف هستند، مکرر نام تمدن اسلام را نمی‌بردند و تاریخ آن را شرح نمی‌دادند و آن را با سایر تمدن‌های عالم نمی‌سنجیدند. این تمدن از تمدن‌های مشهوری است که تاریخ عمومی دنیا با آن زینت یافته و با آثار درخشان خود تا ابد تاریخ را پر کرده است (مستودراد^۲، ۱۳۲۰: ۱۲۸).

تمدن اسلامی، بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... (جان‌احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱ - ۵۲). مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایت مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، زندگی خوب و عزت‌مندی داشته باشد، انسانی عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معناست و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

براساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مؤلفه‌هایی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی احصا شده که در جدول ذیل به آنها پرداخته شده است:

1. Toin bi A
2. Mestodrad

مؤلفه‌های تمدن‌ساز	دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)	ردیف
معنویت	<p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «هدف از تمدن‌سازی این است که به خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰).</p> <p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای تعالی او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).</p> <p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم که به توفیق الهی هم [این کار را] می‌کنیم» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگ، ۱۳۹۲/۹/۱۹).</p>	۱
علم‌گرایی	<p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «هدف، رسیدن به جامعه اسلامی است که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج هست، هم ثروت است، یک تصویر این جور؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد (بیانات در دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰).</p> <p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی و تدبیر یعنی جهت درست در زندگی داشتن جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا اینها باهم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کم‌اینکه خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدبیر بودند؛ خیلی از پیشروان همین تمدن کنونی اروپا هم البته عمدتاً در دوره‌های بعدی متدبیر بودند» (گفت‌و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱/۱۴).</p>	۲
اخلاق	<p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفت و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به‌لجن‌کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد» (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹).</p> <p>مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب‌ها را شناخت و برای رفع آنها راهکارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحران‌هایی را در جامعه نظاره‌گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جستجو می‌کند، غافل از اینکه ریشه نابسامانی‌ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره‌جویی کرد. امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادی‌گری و مادی‌پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به‌همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزش‌های اخلاقی قیام جدی نمایند» (بیانات رهبری، به کوشش بانک‌پور و قماشچی، ۱۳۸۰).</p>	۳

ردیف	مؤلفه‌های تمدن‌ساز	دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)
۴	عقلانیت	مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): «...برای بیدارکردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشورت و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود» (پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع‌عقل‌بودن است. عاقل‌بودن و خرد را به کارگرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸).
۵	عدالت	مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای مردم، در پرهیز از تحجر، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت و... است» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): «در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این اطمینان پیدا کنند» (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰). مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه اول، یکی از شاخص‌های مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که می‌خواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظام‌های گوناگون زندگی می‌کنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده کیست؟ این تلاش به عهده مسئولان و مردم- با هم- است» (بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲).
۶	وحدت گزایی	مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «حفظ وحدت جزو مهم‌ترین وظایف امروز همه مسلمانان است. در این زمینه به خطر بزرگ بدبینی شیعیان و اهل تسنن به یکدیگر اشاره می‌کنند و تأکید دارند همگان وظیفه جلوگیری از این پدیده را دارند. لذا برجسته‌کردن خصوصیات قومی و دمیدن در آتش قوم‌گرایی از نظر ایشان نوعی بازی کردن با آتش است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی): «یکی از ابزارهای دشمنان برای جلوگیری از برپایی تمدن نوین اسلامی را ایجاد تفرقه میان مسلمانان دانستند و گفتند: از هنگامی که موضوع شیعه و سنی در ادبیات مقامات و سیاست‌مداران امریکایی مطرح شد، اهل فهم و اهل نظر نگران شدند، زیرا مشخص بود آنها به دنبال یک توطئه جدید و خطرناک‌تر از قبل هستند» (دیدار میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۴/۸).

۱۱۲ / نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی	سال ۲۸، دوره جدید، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۹
--	--

ردیف	دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)	مؤلفه‌های تمدن‌ساز
۷	مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلام بگیریم، در آن صورت این تمدن دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «همه می‌خواهند ایران عزیز را به عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه عدالت هست، کم‌شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته‌شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه اسلامی اینهاست» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱). مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «راه همانی [است] که عرض کردیم: تکیه به استعداد درونی، تکیه به ظرفیت‌های داخلی کشور، تکیه به همین جوان‌ها، تکیه به ابتکاری که جوان‌ها می‌زنند، کاری که دنبال می‌کنند، دانشی که تحصیل و تبدیل به فناوری می‌کنند» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱).	پیشرفت
۸	مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج‌کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی نباید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱). مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «معتقدند اگر زیدگان و نجیبگان ملت‌ها، چه نجیبگان سیاسی و چه نجیبگان علمی و دینی وظایف خودشان را درست انجام دهند، آینده دنیای اسلام که امروز احساس بیداری می‌کند، آینده مطلوبی خواهد بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).	مجاهدت مداوم
۹	مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «فرهنگ غربی همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود و ضد معنویت است. شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود و فرهنگی پویا باشد نه صرفاً مقلد» (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «ایشان، گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» دانستند و خاطر نشان کردند: تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیرپذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۶).	پویایی فرهنگ

صاحب‌نظران دیگری نیز در تعاریف خود از تمدن و تمدن اسلامی بر مؤلفه‌های فوق تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال: شریعتی معتقد است: «تمدن به معنای مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی است» (شریعتی، بی تا، ج ۱: ۵). تقی‌زاده نیز معتقد است: «تمدن عبارت است از نهضت علمی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی، توأم با آزادی است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۸). ابن خلدون: «تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند که از حالت فردی به زندگی شهری روی آورده و موجب تعالی فضائل و ملکات انسانی، چون علم و هنر شده است»

(ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۱). هرسکوتیس معتقد است: «تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌ها تکامل یافته است» (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۴۹). مالک‌ابن نبی در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی است که به یک جامعه فرصت می‌دهد برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله‌ای از زندگی، از کودکی تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به‌عمل آورد...» (سهمرانی، ۱۳۶۹: ۱۹۹ - ۱۹۸). داوری اردکانی معتقد است: «تمدن سیر و بسط یک نحوه تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام و در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است و این ظهورات آنچنان به هم پیوسته‌اند که جزئی از جزء دیگر را جدا نتوان کرد و کل این اجزاء، هم اصل و ریشه‌ای دارد و یا اصل و ریشه‌ای داشته است» (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۷۲). از نظر علامه جعفری (ره): «تمدن عبارت است از برقراری آن نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آنها بنماید، به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز به‌فعلیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن باشد» (علامه جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶: ۲۳۳). ولایتی نیز در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است» (ولایتی، ۱۳۸۲: ۳۲).

نقش نظام تعلیم و تربیت در تحقق تمدن نوین اسلامی

باتوجه به احصای مؤلفه‌های تمدن‌ساز اسلامی، اکنون می‌توان نقش نظام تعلیم و تربیت را در تحقق این مؤلفه‌ها و به‌تبع آن تمدن نوین اسلامی تبیین نمود.

معنویت

معنویت، اولین مؤلفه تحقق تمدن نوین اسلامی است. از نظر امام خمینی (ره) تمدن غرب صرفاً در بُعد مادی پیشرفت کرده است و تنها توانسته است با استفاده از علم و فناوری بر طبیعت چیره شود و از آن برای افزایش امکانات و رفاه خود بهره بگیرند، ولی در تعالی معنوی انسان ناتوان می‌باشد و قادر نیست نیاز انسان را به معنویت و اخلاق پاسخ بگوید. «کشورهای غربی اگر بتوانند... به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضایل اخلاقی و تعالی روانی عاجزند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۱۴). از آنجاکه در نگرش اسلامی خداوند متعال به‌مثابه یگانه مریی حقیقی آدمی محسوب می‌شود که

تنها به اذن و عنایت او تدبیر و اقدامات تربیتی دیگران در جهت تحول و هدایت آدمی معنا پیدا می‌کنند، لذا مریبان در همه مراحل و انواع تربیت باید همین نگرش توحیدی را بر اندیشه و عمل خود حاکم سازند و از آغاز تا انجام فرایند تربیت، خود را در این حرکت پیچیده، فعال‌میشاء و عامل مستقل نپندارند و لذا لازم است همواره در عین استفاده از انواع روش‌ها و ابزارهای عقلانی و بهره‌مندی از محصول فکر و تجربه متراکم بشری (البته در چارچوب نظام معیار دینی)، با ارتباط معنوی با رب‌العالمین و استمداد و استعانت از الطاف ربوبی، بر ربوبیت مطلقه الهی توکل نمایند.

بر همین اساس، نظام تعلیم و تربیت در وهله اول باید به رشد معنوی در مخاطبان نظام تربیت رسمی یعنی همان دانش‌آموز و دانشجو پرداخته و در وهله دوم، به تقویت ایمان و معنویت در همه سطوح جامعه بپردازد. از همین رو، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تحولی حوزه تعلیم و تربیت کشور تأکید می‌کند بر تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مریبان و دانش‌آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزش‌ها و مواجهه هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان با استفاده از ظرفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش و مشارکت خانواده و سایر نهادها و دستگاه‌ها به‌ویژه حوزه‌های علمیه و حضور فعال و سازمان‌یافته دانش‌آموزان و مدارس در برنامه‌های سیاسی اجتماعی و انقلابی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۱: ۲۱).

علم‌گرایی

هر تمدنی از یک نظام علمی قدرتمند، پویا و زاینده برخوردار است و علت اصلی زایایی و شکوفایی آن تمدن، نظام علمی قدرتمندی است که براساس فعالیت‌های پیشروانه دانشمندان برجسته ایجاد شده است. ریشه‌های تمدن اسلامی را نمی‌توان بدون نظام علمی - که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است - شناخت و تحلیل کرد. در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی تلقی شده است. لذا نظام تعلیم و تربیت باید با استفاده از آزاداندیشی و آزادی بیان، علم را در پیوند با معنویت قرار دهد و از علم به‌عنوان عاملی برای سلطه، ابزار قدرت و صدور علم استفاده نماید؛ چراکه برای تحقق تمدن نوین اسلامی، باید علوم اسلامی را از منابع دینی و عقلی استنباط کرد تا تمدن از پایه علمی قوی‌ای در برابر دیگر تمدن‌های رقیب برخوردار شود. اگر این رویه پیش رود، تولید علم می‌تواند باعث اقتدار شده و در مسیر اعتلای تمدن نوین اسلامی قرار بگیرد. نظام تعلیم و تربیت بر همین اساس می‌تواند با مجموعه

اقداماتی به تحقق مؤلفه علم‌گرایی در تمدن نوین اسلامی بینجامد. اهم این اقدامات عبارتند از: ۱. شناخت خود، ظرفیت‌ها و هویت خویش؛ ۲. شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛ ۳. علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آنها و بهره‌برداری بهینه از آنان؛ ۴. علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آنها در زندگی اجتماعی؛ ۵. علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به‌ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛ ۶. آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم‌سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی (سند ملی برنامه درسی، ۱۳۹۱). در این راستا با بهره‌گیری از رهنمودهای تربیتی نقشه جامع علمی کشور، می‌توان وظایفی را برای نظام تعلیم و تربیت برشمرد که عبارتند از: ۱. دستیابی آحاد جامعه به سطح مناسب دانش عمومی و از بین رفتن بی‌سوادی؛ ۲. پوشش کامل دوره آموزش عمومی؛ ۳. ایجاد نظام آموزشی مناسب برای هدایت دانش‌آموزان در جهت کسب فضایل، تقویت قدرت تفکر و خردورزی، کسب آمادگی برای ورود به زندگی مستقل، ترویج علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندساز، ثروت‌آفرین و هماهنگ با محیط‌زیست و سلامت معنوی و جسمی و روانی و اجتماعی آحاد جامعه (سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۲). لذا بهره‌گیری از ابعاد تربیتی اسناد تحولی کشور برای تحقق مؤلفه علم‌گرایی مفید خواهد بود.

اخلاق

نقش بی‌بدیل فضائل اخلاقی در تمدن‌سازی بر کسی پوشیده نیست. «هر اجتماعی از انسان‌ها که تقی‌دی به خصلت‌های نیکو نداشته باشد؛ حتی اگر از همه سطوح و ابعاد عالم طبیعت آگاهی داشته باشد و از حداعلای آن نیز برخوردار باشد؛ حلاوت انسانیت را نخواهد کشید. درحقیقت، لزوم خصلت‌های نیکو برای یک جامعه متمدن، لزوم آب برای هر روئیده نیازمند آب است. بدون پایبندی به اخلاق، آدمیان در خوشی‌های بی‌اساس و زندگی بی‌هدف و بیمارگونه‌ای غوطه‌ور می‌شوند (علامه جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۲ - ۱۹۰).

در همین راستا، با توجه به سند ملی برنامه درسی، تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با رویکرد اخلاقی، اقداماتی را انجام می‌دهد که عبارتند از: ۱. رعایت تقوای الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی؛ ۲. متعهد به ارزش‌های اخلاقی از جمله: صبر، کرامت نفس، حسن خلق، شجاعت، نوع‌دوستی و تکریم والدین و معلم و... در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛ ۳. ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛ ۴. ارزشمند دانستن جایگاه عالم،

علم‌آموزی و یادگیری مادام‌العمر؛ ۵. تقدم دانستن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛ ۶. ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛ ۷. التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری‌های نوین (سند ملی برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۱۹). لذا به کارگیری چشم‌اندازهای سند ملی برنامه درسی در تربیت اخلاقی، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اخلاق اسلامی در فرد و جامعه شود که در مرحله بالاتر به تحقق تمدن نوین اسلامی می‌انجامد.

عقلانیت

عقل، بزرگ‌ترین سرمایه انسان است. نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر، باعث می‌شود که در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی و آرمان اسلامی و انسانی، اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها انسان را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، بلکه مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند و موجب ایجاد انحراف هم می‌شود. یک تمدن ممکن است صرفاً با عقل فلسفی بنا شود و بخواهد همین بُعد انسان را جواب دهد، مثل تمدن یونان باستان. ولی چون همه ابعاد انسان را تشکیل نمی‌دهد بعد از مدتی انسان‌ها نمی‌توانند از طریق چنین تمدنی ابعاد شخصیت خود را شکوفا کنند. به همین جهت، تمدن عقلانی صرف هم که مایه الهی نداشته باشد و جنبه‌های قدسی انسان را بی‌جواب بگذارد، محکوم به هلاکت است. چون انسان تمدنی می‌خواهد که با دل و قلب او نیز گفتگو کند. در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، اسلام با سه گانه «عدالت»، «عقلانیت» و «معنویت» معنا می‌شود. این سه با هم محقق می‌شوند و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. در فرایند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزش‌گذار کارها در نظام اسلامی است (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵). همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار گرفته است. در همین راستا، نظام تعلیم و تربیت با توجه به شایستگی‌های پایه که در اسناد تحولی مطرح شده است که یکی از آنها تعقل است، باید مجموعه اقداماتی را انجام دهد که عبارتند از: توسعه و ارتقای توانمندی‌های فکری و عقلانی مربی تربیت رسمی و عمومی، توجه به شورا و خرد جمعی در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی و ارتقای توانمندی‌های فکری و عقلانی متریان (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۶۷). در سند ملی برنامه درسی نیز عقلانیت

مورد تأکید قرار گرفته است و پیرامون پرورش عقلانیت در فراگیران مواردی ذکر شده است که عبارتند از: ۱. به درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی انسان یاری رساند؛ ۲. بصیرت‌بخشی نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛ ۳. تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به‌عنوان خالق هستی؛ ۴. تدبیر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن (سند ملی برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۱۶). لذا استفاده از سند ملی برنامه درسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور می‌تواند مؤلفه عقلانیت را با تدابیری که بیان شد در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دهد.

عدالت

عدالت نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی، دارای جوانبی است که نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با کم کردن فاصله طبقاتی در مدارس و مؤسسات آموزشی، آموزش را برای همگان فراهم آورد. تعلیم و تربیت همچنین می‌تواند با توسعه عدالت در تمام جوانب زندگی انسان، نسبت به عدالت، مطالبه‌گری ایجاد کند. عدالت اگر بخواهد به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کند، باید اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی پایان یابد و جایش را به مساوات و برابری بدهد. توجه به شایستگی‌های فردی می‌تواند یکی از راه‌های ایجاد عدالت در جامعه باشد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون پیوند مؤلفه‌های تمدن‌ساز با یکدیگر می‌فرماید: «اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا باشد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود، اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود، خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است گاهی نمی‌بیند. بنابراین، عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط رسیدن به عدالت است» (بیانات در دیدار با اعضای دولت نهم، ۱۳۸۴/۴/۲۰). تربیت زمینه‌ساز باید از قبیل: ۱. ایجاد فرصت حضور در تربیت رسمی برای فرزندان آحاد جامعه، صرف‌نظر از ویژگی‌های فرهنگی، قومی، دینی و اقتصادی؛ ۲. فراهم کردن فرصت‌های برابر دسترسی به تربیت عمومی و رسمی (برابری در توزیع منابع و امکانات) برای تمامی آحاد جامعه؛ ۳. ارائه تربیت عمومی و رسمی با کیفیت قابل‌قبول؛ ۴. توجه به تفاوت‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی؛ ۵. برقراری روابط عادلانه در محیط‌های سازمانی و مدارس بین معلمان و مدیران؛ ۶. توجه

هماهنگ و متعادل به همه ساحت‌های تربیت (سند ملی برنامه درسی، ۱۳۹۱). بنابراین، به کارگیری اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش (که برگرفته از منابع دینی و تحلیل صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی در این حوزه است) در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی مثمرتر است و به تحقق مؤلفه عدالت می‌انجامد.

وحدت گرایی

از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام، ایجاد وحدت میان مسلمانان است. از این رو، قرآن کریم همه افراد را به وحدت و یگانگی و انسجام دعوت کرده و از اختلاف و تفرقه برحذر داشته است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا {قرآن، اسلام، و هرگونه وسیله وحدت} چنگ بزنید و پراکنده نشوید. بر همین اساس می‌توان گفت انسجام و وحدت در جامعه مستلزم تربیت انسان‌هایی است که زمینه‌های باهم‌زیستن و انسجام اجتماعی را داشته باشند. این مهم با شکل‌گیری عناصر معرفتی و گرایشی مشترک در هویت گروهی افرادی تحقق می‌یابد که در چارچوبی رسمی و اعتباری تحت عنوان «ملت» یا «امت» با همدیگر زندگی می‌کنند. البته این انسجام اجتماعی، امری تشکیکی است، به طوری که از خانواده و جامعه محلی شروع می‌شود و به جامعه جهانی می‌رسد. از آنجاکه هویت ملی ماهیتی معرفتی، گرایشی و عملی دارد، لذا مهم‌ترین عامل شکل‌گیری آن، توجه به سازوکارهای تربیت، شکل سازماندهی شده و قانون‌مند آن، یعنی همان تربیت رسمی و عمومی است. بنابراین، نهاد تربیت رسمی و عمومی، از عوامل اصلی زمینه‌ساز تکوین و تعالی هویت مشترک و انسجام اجتماعی در سطح ملی به‌شمار می‌رود (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: ۲۵۵). با این اوصاف، نظام تربیتی زمینه‌ساز با افزایش مشارکت مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در همه عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی،... به‌عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی نقش‌آفرینی می‌کند و راه تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار می‌کند.

پیشرفت

منظور از پیشرفت، وجود حرکت، تکاپو و جهش از وضع موجود به سمت رسیدن به وضع مطلوب یعنی چشم‌انداز یا اهداف بلندمدت و میان‌مدت است. در این الگو، ایستایی، رکود، توقف و تردید راه ندارد و این پیشرفت باید در مقایسه با رقبا مشهود و ملموس باشد تا رشد و تعالی انسان محقق شود. پیشرفت عبارت است از مدیریت آگاهانه روند پویا؛ یعنی حرکت انسان در زندگی

او به‌طور خودآگاهی پایش شود، به‌طوری‌که این پایش حرکت، زائیده یک هدف‌گذاری تعریف‌شده باشد (امرای، ۱۳۸۸). برهمن‌اساس، پیشرفت، مقوله وسیعی است و تمام جوانب زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. پیشرفت در عرصه علم و فناوری، پیشرفت در زندگی، کار و تلاش، پیشرفت در معنویت و اخلاق و... را شامل می‌شود. ایجاد روحیه خودباوری در افراد و ترویج روحیه تلاش از دیگر وظایف تربیت زمینه‌ساز است تا جامعه را به سمت تمدن نوین سوق دهد. نظام تعلیم و تربیت اقداماتی در این راستا انجام می‌دهد که عبارتند از: ۱. با پرورش انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های جهان؛ ۲. توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن؛ ۳. پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان (سند جامع علمی کشور، ۱۳۹۱: ۵). لذا استفاده از سند جامع علمی کشور می‌تواند مؤلفه پیشرفت را با تدابیری که بیان شد، تحقق بخشد.

مجاهدت مداوم

بدون تردید پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس‌عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت، مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق‌به‌سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانچه مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) را به‌معنای مجاهدت علمی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۸۲). براین‌اساس در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای راهبردی است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. برهمن‌اساس، تربیت زمینه‌ساز با نهادینه کردن فرهنگ جهادی و مقاومت در برابر دشمنان و تحریم‌های اقتصادی، مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و فرهنگی و... در نسل جوان می‌تواند روحیه جهادی و خودباوری را در آنان نهادینه کند و مقدمات تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم کند.

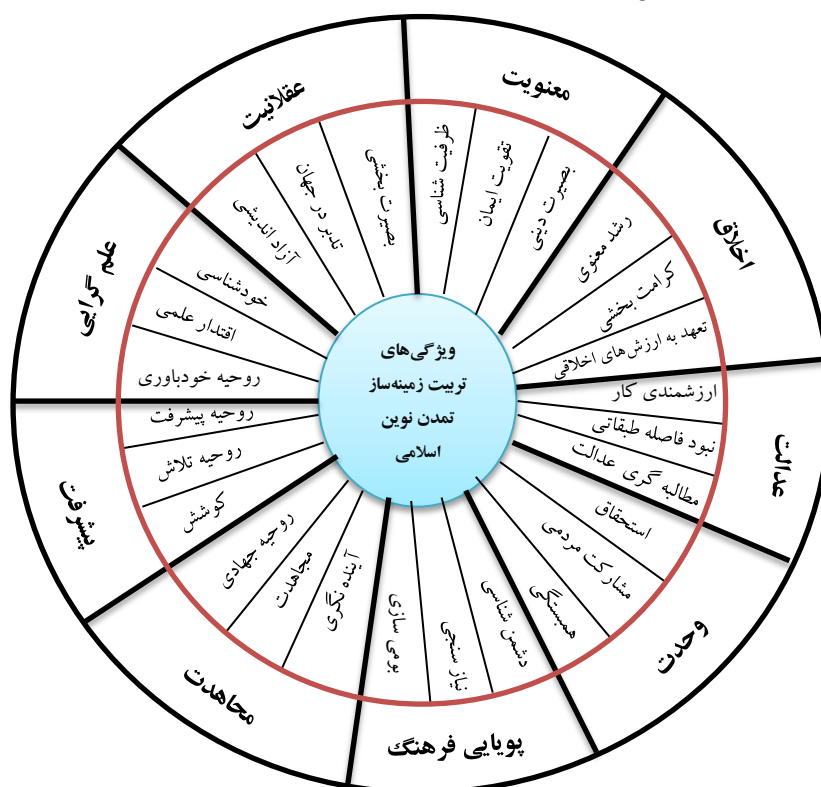
پویایی فرهنگ

مؤلفه فرهنگ دارای ارتباط تنگاتنگی با نظام تعلیم و تربیت است، بدین‌صورت که این دو، لازم

و ملزوم یکدیگرند و دارای ارتباط متقابل هستند. در واقع، از جمله راه‌های انتقال و پویایی فرهنگی می‌توان به آموزش و پرورش، تربیت مستقیم، تقلید، گفتمان علمی و... اشاره کرد. در این راستا، سجادی (۱۳۸۴) معتقد است که نظام‌های آموزشی و تربیتی هر جامعه‌ای در خلأ تاریخی و اجتماعی قرار ندارند که نسبت به فرهنگ، سیاست و اجتماع موجود بی‌تفاوت باشد و بنابراین، تعلیم و تربیت از نظر فرهنگی، امری خنثی نیست و سوگیری‌های محتوایی آن نمی‌تواند نسبت به فرهنگ بی‌تفاوت باشد. لذا تربیت زمینه‌ساز در عین آنکه رسالت شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی یک جامعه و کمک به حفظ آن را دارد، رسالت توجه به نیازهای جامعه‌ی متحول و مدرن را نیز دارد. بدین ترتیب، آموزش و پرورش ضمن اینکه در پذیرش و نفوذ دادن ابعاد مثبت و سازنده فرهنگ جهانی که به‌خصوص از طریق رسانه‌های آموزشی می‌تواند وارد شود، نقش دارد، در عین حال در حفظ هویت فرهنگی و پایداری فرهنگی جامعه در مقابل الگوهای مصرفی و تحمیلی که از طریق فرایند جهانی‌سازی الگوسازی می‌شود، می‌تواند نقش پالایش‌دهنده و آگاه‌کننده داشته باشد. تربیت زمینه‌ساز، نقشی اساسی در رشد مهارت‌های چندبُعدی نیز برعهده دارد و می‌تواند این مهارت‌ها را با فرهنگ و تمدن اسلامی عجین کند. در واقع، تربیت زمینه‌ساز با ترویج فرهنگ تاب‌آوری، شهروندان متحمل تربیت می‌کند که با سعه‌صدر و نقادانه با مسائل مختلف از جمله هویت‌های بومی و غیربومی برخورد کنند. از این منظر، مهارت‌های چندبُعدی شهروندان به این معناست که شهروندان، به شکل شهروند جامعه متمدن اسلامی تربیت شوند که خود مؤلفه‌هایی چون پویایی فرهنگ، مشارکت با دیگران، ترویج تفکر نظام‌مند و انتقادی را مطرح می‌سازد. بر همین اساس، نظام تعلیم و تربیت در چشم‌انداز سند تحول بنیادین، مجموعه اقدامات فرهنگی‌ای برای تحول و پویایی فرهنگ در نظر گرفته است که عبارتند از: ۱. انعطاف‌پذیری در اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌ها در چارچوب اصول متناسب با نیازهای جدید متریبان و تحولات جامعه برای افزایش پیوسته کیفیت؛ ۲. توجه به نیازها و شرایط جدید و آینده جامعه محلی، ملی، جهانی متریبان و اتخاذ تصمیم مناسب در قبال آن؛ ۳. بومی‌سازی رویکردهای جدید جهانی در تربیت رسمی و عمومی، از طریق انطباق با اصول فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی؛ ۴. آینده‌نگری و توجه به روندهای آینده در حوزه مختلف معرفت بشری؛ ۵. نظارت و ارزش‌یابی مستمر از فرایند تربیت رسمی و عمومی (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۷۴). از جمله اقدامات دیگر می‌توان به ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت

رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی (عج) با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش های اخلاقی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران را برشمرد (همان: ۱۵).

بر همین اساس، می توان گفت تربیت زمینه ساز با مجموعه اقداماتی که نشئت گرفته از اسناد تحولی و بالادستی نظام آموزشی کشور است، شرایط را برای تحقق مؤلفه های تمدن سازی نوین اسلامی در فراگیران مهیا می سازد. نحوه تأثیر گذاری نظام تعلیم و تربیت بر هر یک از مؤلفه های تمدن ساز در الگوی ذیل نمایش داده شده است.



شکل ۱. ویژگی های تربیت زمینه ساز تمدن نوین اسلامی

نتیجه گیری

بیانیه «گام دوم انقلاب»، تجدیدمطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۲). به عبارت دیگر، انقلاب وارد دومین مرحله خود شده است که تمدن سازی اسلامی در آن مورد اهمیت واقع شده است. لذا در گام دوم انقلاب باید به سمت تعالی این تمدن حرکت کرد و لازمه تعالی در تمدن، شناخت صحیح آن است. از همین رو با تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، می توان مؤلفه هایی را برای تمدن سازی نوین اسلامی احصا نمود و آن را بهتر شناخت. اهم این مؤلفه ها عبارتند از: معنویت، علم گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ.

از سوی دیگر، اسناد بالادستی کشور، هر کدام مأموریت هایی را برای نظام تعلیم و تربیت مشخص کرده اند که عمل به آن منجر به تعالی مؤلفه های (تمدن سازی) فوق الذکر در فراگیران شده و به تبع آن به جامعه ای تمدن ساز با رویکرد اسلامی منجر می شود. در همین راستا، برخی از اسناد بالادستی مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم انداز ۱۴۰۴ و نقشه جامع علمی کشور، در کنار پرداختن به ابعاد مختلف جامعه، مأموریت هایی را برای نظام تربیتی مشخص کرده اند و برخی دیگر از اسناد بالادستی که مختص نظام تربیتی هستند؛ مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱)، سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲)، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد نظام آموزش و پرورش، مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد نظام آموزش و پرورش، مستقیماً به منظور ارتقای نظام آموزشی طراحی شده اند. از همین رو، بهره گیری از آموزه های این اسناد تحولی - که مبتنی بر دین مبین اسلام است - در نظام تربیتی، موجب تعالی مؤلفه های تمدن ساز اسلامی در فراگیران شده و افزون بر آن، فراگیرانی را تربیت می کند که خود در عرصه تمدن سازی اسلامی، ایفای نقش خواهند کرد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱)، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران: یزدان.
- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۴)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۳ (۵): ۱۰۷ - ۸۵.
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۱)، چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵)، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- امرائی، حسن (۱۳۸۸)، مهندسی سیاست، تهران: شوکا.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- بانکی پور، امیرحسین و قماشچی، احمد (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: تربیت اسلامی.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، تاریخ از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: تنظیم و نشر آثار علامه جعفری.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش. ۱۳۹۲/۰۲/۱۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه بیانات. (برگرفته از سایت، www.khamenei.ir).
- خواجه‌سروی، غلامرضا؛ فتحی، محمدجواد و اسفندیار، محمد (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی (باتأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی)، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳ (۱۱): ۳۴ - ۱.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، تمدن و تفکر غربی، تهران: ساقی.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۴)، کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی)، اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱ (۱): ۳۸ - ۲۵.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳)، شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم، مجله آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۲ (۱۹): ۸۲ - ۶۱.
- سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سهمرانی، اسعد (۱۳۶۹)، اندیشمندان مصلح، ترجمه صادق آینه‌وند، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شریعتی، علی، تاریخ تمدن، ج ۲، تهران: چاپخش، بی‌تا.
- شکرانی، یاسین و تمدن، حمیدرضا (۱۳۹۵)، واکاوی نقش قرآن کریم و تعلیم و تربیت اسلامی در تمدن‌سازی، مجموعه مقالات همایش سراسری علمی پژوهشی سبک زندگی: ۳۷ - ۱.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۹)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه گروه مترجمان، تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۸۹)، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه علی صحت، تهران: فراهانی.
- فرهینی فراهانی، محسن و خاری آرانی، مجید (۱۳۹۴)، تربیت دینی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد: ۵۱۱ - ۴۹۸.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مستودارد، لوتروپ (۱۳۲۰)، امروز با مسلمین یا عالم نو اسلام، جلد اول، ترجمه سیداحمد مهذب، تهران: طبع کتاب.
- معین، محمد (۱۳۶۷)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۰)، نگاهی به نگرش‌های فلسفی سده بیستم، تهران: انتشارات طهوری.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تغییر، ترجمه محسن تلاشی، تهران: نشر علم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۷)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه علی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

